



Atlantic Council

صلح مطلوب در اوکراین؟

هفته گذشته شاهد تحرکات دیپلماتیک گسترده‌ای پیرامون طرح صلح جدید آمریکا برای پایان دادن به تهاجم روسیه به اوکراین بودیم. اگر چه جزئیات این طرح ۲۸ ماده‌ای هنوز محرمانه است، اما گمان می‌رود مفاد آن شامل امتیازات گسترده از سوی اوکراین، در کنار مجموعه‌ای از مشق‌های اقتصادی و سیاسی برای روسیه باشد. این موضوع نگرانی‌های زیادی را برانگیخته و بسیاری از منتقدان، این پیشنهاد را فراخوانی برای «تسلیم» اوکراین دانسته‌اند.

در حالی که زلنسکی به شکلی قابل درک می‌کوشد ترامپ را از خود نرانند، اما در کی‌یف و سراسر اروپا امید چندانی وجود ندارد که این ابتکار جدید بتواند به بزرگترین تهاجم نظامی در این قاره پس از جنگ جهانی دوم پایان دهد. تلاش‌های مشابه پیشین برای دستیابی به توافق از طریق ارائه شرایط سخاوتمندانه به کرملین، همگی ناکام‌مانده‌اند.

ایراد اساسی این رویکرد، عدم درک این واقعیت است که ولادیمیر پوتین بر اساس محاسبات ساده هزینه-فایده (که برای همتایان غربی اش ملاک است) تصمیم نمی‌گیرد. برعکس، پوتین معتقد است که درگیر یک نبرد وجودی برای احیای جایگاه روسیه به عنوان یک ابرقدرت و تثبیت نام خود در تاریخ است. بنابراین، تصور اینکه او با وعده امتیازات ارضی جزئی یا فرصت‌های اقتصادی آینده راضی می‌شود، توهمی بیش نیست.

شکاف عمیق میان مسکو و پایتخت‌های غربی در درک اهداف جنگ، در جریان تلاش‌های ترامپ برای میانجی‌گری بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است.

ترامپ همچنین اغلب این تصور را ایجاد کرده که به مسئله روسیه و اوکراین، همچون یک بیزافروش نگاه می‌کند که در حال حل یک اختلاف ملکی است. او از لزوم «مبادله زمین» سخن گفته و مناطق اشغالی را «قلمرو مرغوب» نامیده است. این دیدگاه، واقعیت تلخ اما مهمی را نادیده می‌گیرد: پوتین برای خاک اوکراین نمی‌جنگد؛ او برای تسلط بر «خود اوکراین» می‌جنگد و تا زمانی که سیطره کامل روسیه بر کل این کشور را بازنگرداند، خود را بازنده جنگ می‌داند.

مسئله دیگری که نشان‌دهنده اشتباه رهبران غربی در تعمیم منطق خودشان به پوتین است، موضوع تلفات نظامی روسیه است. مقامات غربی اغلب آمار بالای تلفات روسیه را دلیلی کلیدی برای پایان جنگ می‌دانند و پیشروی کند روسیه را نشانه‌ای از بن‌بست استراتژیک قلمداد می‌کنند.

از دیدگاه غربی، این منطقی است. اما نرخ بالایی تلفات، ویژگی سنتی ارتش روسیه است که همواره برای پیروزی بر «انبوه نیرو» تکیه کرده است. علاوه بر این، پوتین مراقب بوده تا تلفات سنگین ارتش، ثبات داخلی را برهم نزنند. از سال ۲۰۲۲، کرملین سر بازگیری را بر مناطق محروم و زندانیان متمرکز کرده و با ارائه مشوق‌های مالی جذاب، فشارهای اجتماعی ناشی از مرگ‌ومیر در جنگ را به حداقل رسانده است. برخی رهبران غربی (مانند ریچارد مور، رئیس سابق MIP) سعی کرده‌اند با بر جسته کردن آسیب‌های بلندمدت اقتصادی و جمعیتی به روسیه، به پوتین تأثیر بگذارند. این منطق شاید برای سیاستمداران غربی قانع‌کننده باشد، اما برای پوتین معنای چندانی ندارد. اگر رهبران غربی خواهان پایان جنگ هستند، باید دست از ارائه طرح‌های صلحی بردارند که صرفاً برای خودشان جذاب است و بی‌پذیرند که انگیزه‌های پوتین کاملاً متفاوت است. او تهاجم به اوکراین را بخشی از یک مأموریت تاریخی مقدس می‌بیند که قرار است نظم جهانی را تغییر دهد و به دوران تحقیر ژئوپلیتیک روسیه پس از فروپاشی شوروی پایان دهد.

سیاست‌گذاران غربی باید سرانجام با ابعاد عظیم جاه‌طلبی‌های امپریالیستی پوتین روبه‌رو شوند، او که خود را پاتر کبیر مقایسه می‌کند، با راهم‌دعی شده که در حال بازگرداندن سرزمین‌های تاریخی روسیه است و گفته: «تمام اوکراین مال ما است.»

تلاش برای چانه‌زنی با چنین فردی از طریق توسل به عقل سلیم یا ارائه امتیازات محدود، نه تنها بیهوده، بلکه خطرناک است؛ زیرا پوتین را مطمئن می‌سازد که مخالفان غربی اش ضعیف‌تر و راحت‌طلب‌تر از آن هستند که اهمیت تاریخی این لحظه را درک کنند. این امر او را امیدوار می‌کند که دشمنانش در نهایت عقب‌نشینی کرده و پیروزی را به او تقدیم خواهند کرد. متحدها اوکراین به جای تلاش برای دلجویی از روسیه، باید بپذیرند که پوتین «همه چیز» را می‌خواهد و علاقه‌ای به صلح مبتنی بر مصالحه ندارد. آن‌ها سپس باید نشان دهند که اراده سیاسی لازم برای جلوگیری از تبدیل شدن رویاهای امپریالیستی او به واقعیت را دارند.

بین‌الملل
INTERNATIONAL

محمدحسین لطف‌الهی
خبرنگار بین‌الملل

ایالات متحده انتظار داشت با بایکوت کردن نشست گروه ۲۰، آفریقای جنوبی را به عنوان میزبان این نشست تحت فشار قرار دهد اما همکاری کشورهای حاضر و دستیابی به توافق بر سر بیانیه مشترکی که برخی تصمیمات دولت آمریکا را مورد انتقاد قرار می‌داد، یک پیروزی مهم برای چندجانبه‌گرایی بود.

نشست گروه ۲۰ در آفریقای جنوبی روز یکشنبه ۲۳ نوامبر در حالی به پایان رسید که تمام تحولات در این نشست، تحت تأثیر غیبت آمریکا قرار داشت. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا که باور دارد آفریقای جنوبی اقلیت سفیدپوست «آفریکانر» را مورد آزار و اذیت خشونت‌آمیز قرار می‌دهد و باید به همین دلیل تنبیه شود، از اعزام نمایندگان ایالات متحده به نشست گروه ۲۰ خودداری کرد و تصمیم گرفت به این ترتیب نشست ژوهانسبورگ را کم‌اهمیت نشان دهد. با این حال، تحولات نشست و موفقیت کشورهای حاضر در دستیابی به توافقی به منظور صدور بیانیه جمعی، سبب شد تا در ساعات پایانی، آمریکایی‌ها اعلام کنند که آماده اعزام نماینده برای تحویل گرفتن ریاست دوره بعدی نشست گروه ۲۰ از آفریقای جنوبی هستند.

سی‌ان‌ان در گزارشی در این خصوص نوشت: «کاخ سفید اعلام کرد که در تصمیمی لحظه‌آخری قصد داشته یکی از مقامات سفارت خود را برای مراسم تحویل ریاست بفرستد، اما آفریقای جنوبی این پیشنهاد را رد کرد و تحویل ریاست توسط رئیس‌جمهور به یک کارمند رده پایین سفارت را توهین‌آمیز دانست.» به نوشته سی‌ان‌ان، در نهایت، هیچ هیئت آمریکایی در این نشست پذیرفته نشد. آفریقای جنوبی اعلام کرد که تحویل ریاست بعداً و احتمالاً در سطح وزارت خارجه انجام خواهد شد. ترامپ نیز گفته است که نشست سال آینده را در باشگاه گلف خود در فلوریدا میزبانی خواهد کرد.»

پیش از آغاز نشست، آفریقای جنوبی اعلام کرده بود که مصمم است به جهان نشان دهد بدون حضور آمریکایی‌ها هم کشورهای گروه ۲۰ می‌توانند اجماع موثری را شکل دهند. رونالد لامولا، وزیر امور خارجه این کشور در فاصله کوتاهی پیش از آغاز نشست ژوهانسبورگ گفت: «گروه ۲۰ باید پیامی روشن بفرستد که جهان می‌تواند با یا بدون ایالات متحده به راه خود ادامه دهد. ما برای آن‌ها غیبت ردمی کنیم و به کارمان ادامه می‌دهیم.»

▼ گروه ۲۰ چیست و چه مأموریتی دارد؟

گروه ۲۰ مجمعی متشکل از بزرگترین اقتصادهای جهان است که به طور منظم برای گفت‌وگو در باره حیاتی‌ترین مسائل پیش روی اقتصاد جهانی تشکیل جلسه می‌دهد.

این گروه در مجموع حدود ۸۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان، بیش از ۷۵ درصد از تجارت جهانی و حدود دوسوم جمعیت کره زمین را شامل می‌شود.

ریشه‌های شکل‌گیری گروه ۲۰ به اشفنگی‌های مالی اواخر قرن بیستم بازمی‌گردد. بحران مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، شکنندگی سیستم مالی در هم‌تنیده جهانی را آشکار کرد و نشان داد که بحران در اقتصادهای نوظهور می‌تواند به سرعت دامنگیر بازارهای کشورهای صنعتی شود. در آن زمان، گروه ۷ به عنوان باشگاه ثروتمندترین دموکراسی‌های صنعتی، دریافت که دیگر به تنهایی قادر به مهار این تلاطم‌ها نیست.

در پاسخ به این ضرورت، وزرای دارایی گروه ۷ در نشست ژوئن ۱۹۹۹ در کلن آلمان، ایده تشکیل مجمعی فراگیرتر را مطرح کردند. این ایده در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۹ عملی شد و اولین اجلاس وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی گروه ۲۰ در دسامبر همان سال در برلین برگزار گردید. در آن مقطع، گروه ۲۰ عمدتاً یک مجمع مشورتی غیررسمی بود که می‌کوشید با ایجاد گفت‌وگو میان اقتصادهای صنعتی و بازارهای نوظهور کلیدی (مانند چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی)، ثبات مالی بین‌المللی را ارتقا دهد.

اما نقطه عطف تاریخی این گروه با فروپاشی بانک «لیمن برادرز» در سپتامبر ۲۰۰۸ و آغاز بزرگترین رکود اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم رقم خورد. شدت بحران چنان بود که دیگر سطح وزرای دارایی برای تصمیم‌گیری‌های فوری و فاطع، ناکافی به نظر می‌رسید. بدین ترتیب، در نوامبر ۲۰۰۸، اولین اجلاس سران گروه ۲۰ به میزبانی واشنگتن دی‌سی برگزار شد.

مهم‌ترین دستاورد تاریخی گروه ۲۰، پاسخ هماهنگ و قاطع به بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ بود. در اجلاس لندن (۲۰۰۹)، رهبران توافق کردند که ۱/۱ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی تزریق کنند و بودجه صندوق بین‌المللی پول را سه برابر نمایند. تأسیس «هیئت ثبات مالی» (FSB) برای نظارت بر اصلاحات مقرراتی نیز از نتایج ماندگار این دوره بود. این اقدامات به طور مؤثر مانع از تبدیل شدن رکود بزرگ به یک افسردگی اقتصادی طولانی مدت شد.

در سال‌های اخیر، گروه ۲۰ با همکاری سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، رهبری اصلاحات بنیادین در قوانین مالیاتی جهان را بر عهده داشته است. توافق بر سر «پایه مالیاتی حداقل جهانی» با نرخ ۱۵ درصد، دستاورد بزرگی برای پایان دادن به رقابت ناسالم کشورها در کاهش مالیات و جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌های چندملیتی محسوب می‌شود.

در مواجهه با همه‌گیری کووید-۱۹ نیز کشورهای گروه ۲۰ متعهد شدند بیش از ۵ تریلیون دلار برای مقابله با پیامدهای این ویروس هزینه کنند. همچنین، «ابتکار تعلیق خدمات بدهی» (DSSI) راه‌اندازی شد تا به فقیرترین کشورها اجازه دهد بازپرداخت بدهی‌های خود را به تعویق انداخته و منابع را صرف بخش بهداشت کنند. با این حال، نابرابری در توزیع واکسن و ناکافی بودن اقدامات

آفریقای جنوبی در نخستین میزبانی قاره آفریقا از نشست گروه ۲۰. دست به سنت شکنی زد و بیانیه سران را روز شنبه، درست در همان روز آغاز مذاکرات، منتشر کرد؛ اقدامی خلاف روال معمول که در آن بیانیه‌ها در پایان اجلاس صادر می‌شوند. این بیانیه با وجود مخالفت صریح ایالات متحده صادر شد. واشنگتن پیش‌تر از دستور کار آفریقای جنوبی که عمدتاً بر تغییرات نابرابری ثروت جهانی تمرکز داشت، انتقاد کرده بود

برای کاهش پایدار بدهی‌ها، از نقاط ضعف عملکرد گروه در این دوره بود.

ترکیب اعضای گروه ۲۰ به گونه‌ای طراحی شده تا توازن میان نمایندگی جهانی و کارآمدی در تصمیم‌گیری برقرار کند. این گروه شامل ۱۹ کشور (آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، بریتانیا و ایالات متحده) به همراه اتحادیه اروپا است.

در تحولی تاریخی در سال ۲۰۲۳ و در جریان ریاست هند، اتحادیه آفریقا نیز به عنوان عضو دائم جدید پذیرفته شد. این اقدام که با هدف اصلاح عدم توازن جغرافیایی و اعطای صدای برابر به قاره آفریقا صورت گرفت، تعداد اعضا را به ۲۱ واحد سیاسی (۱۹ کشور و ۲ اتحادیه منطقه‌ای) رساند، هر چند نام گروه همچنان گروه ۲۰ باقی مانده است.

بر خلاف نهادهایی چون سازمان ملل یا صندوق بین‌المللی پول، گروه ۲۰ فاقد دبیر خانه دائمی و کارمندان ثابت است. این ویژگی باعث می‌شود که دستور کار و اولویت‌های گروه به شدت تحت تأثیر کشور میزبان (ریاست دوره‌ای) باشد. ریاست گروه هر سال میان اعضای چرخد و کشورها برای حفظ توازن جغرافیایی، به گروه‌های منطقه‌ای تقسیم شده‌اند.

▼ سنت شکنی در آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی در نخستین میزبانی قاره آفریقا از نشست گروه ۲۰، دست به سنت شکنی زد و بیانیه سران را روز شنبه، درست در همان روز آغاز مذاکرات، منتشر کرد؛ اقدامی خلاف روال معمول که در آن بیانیه‌ها در پایان اجلاس صادر می‌شوند.

ایسن بیانیه با وجود مخالفت صریح ایالات متحده صادر شد. واشنگتن پیش‌تر از دستور کار آفریقای جنوبی که عمدتاً بر تغییرات



منه‌های

بررسی تلاش گروه ۲۰ برای پیشبرد چ

اقلیمی و نابرابری ثروت جهانی تمرکز داشت، انتقاد کرده بود. آرژانتین نیز مخالفت خود را با این بیانیه اعلام کرد؛ آن هم در شرایطی که خاورمیله، رئیس‌جمهور این کشور و از متحدان ترامپ، از شرکت در اجلاس خودداری کرده بود.

با این حال، سایر اعضای گروه ۲۰ از جمله چین، روسیه، فرانسه، آلمان، بریتانیا، ژاپن و کانادا از این سند حمایت کردند. محور اصلی این بیانیه، جلب توجه جهانی به چالش‌های گریبان‌گیر کشورهای فقیر بود؛ از جمله نیاز به کمک مالی برای بازسازی پس از بلایای اقلیمی، یافتن راهکارهایی برای کاهش بدهی‌ها و حمایت از گذار

این کشورها به سوی منابع انرژی سبز. بیانیه شامل تعهدات روشن برای تأمین مالی پیامدهای تغییرات اقلیمی در کشورهای فقیر، گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش فشار بر کشورهای به شدت بدهکار است.

گروه ۲۰ همچنین با توجه به درگیری‌های جهانی، خواستار «صلح عادلانه، جامع و پایدار» در اوکراین و دیگر مناطق بحرانی از جمله سودان، کنگو و خاورمیانه شده است.

موضع‌گیری گروه ۲۰ در باره جنگ اوکراین در حالی صورت گرفته که هفته گذشته یک هیئت عالی‌رتبه نظامی از آمریکا به رهبری دنیل دریسکال، وزیر ارتش این کشور به کی‌یف سفر کرد تا پیش‌نویس یک طرح صلح جدید برای پایان دادن به جنگ در اوکراین را به مقام‌های ارشد این کشور ارائه کند. هر چند ایالات متحده این طرح را به صورت رسمی منتشر نکرده اما بر اساس اطلاعات فاش شده از محتوای طرح صلح پیشنهادی ترامپ، این طرح از کی‌یف می‌خواهد از بخش‌هایی از خاک خود چشم‌پوشی کند و بسیاری از شروط مدنظر روسیه برای برقراری صلح را بپذیرد.

فردریش مرس، صدراعظم آلمان نیز در اظهارنظری پیرامون این مسئله گفت که توافق بر سر پایان یک جنگ، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن نگاه و نظر کشورهای درگیر (اشاره به اوکراین) حاصل شود.